

قرار می‌دهیم. مباحث دو حزب اساساً روی چگونگی سروسامان دادن به اقتصاد می‌چرخید؛ موضوعی که بلافاصله مسئله تنظیم اقتصاد و ارگان تنظیم‌کننده آن را به میان می‌کشید. ناطقین هر دو حزب، موضع خود را درباره کمیته‌های کارخانه نیز ذکر می‌کردند. بیانات بلشویک‌ها به‌ویژه در این رابطه جالب توجه‌اند، زیرا نسبت به گذشته از صراحت بیشتری برخوردار هستند.

از طرف بلشویک‌ها میلیوتین (Milyutin) که عضو کمیته مرکزی بود، صحبت کرد. وی اظهار داشت: از آن‌جا که نه حکومت و نه کارفرمایان علاقه‌ای به تنظیم تولید از خود نشان نداده‌اند، این وظیفه را تنها پرولتاریا می‌تواند به عهده بگیرد. میلیوتین گفت که کنترل بر تولید و توزیع محصولات باید از طریق ارگان‌هایی انجام پذیرد که اکثریت آن‌ها را کارگران تشکیل دهند. به نظر وی می‌بایستی در سطح کل کشور نهاد کنترلی به وجود می‌آمد و در رأس آن شوراهای اتحادیه‌ها قرار می‌گرفتند. سخنران برای این که کنترل بر تولید مصالح توده اهالی را تضمین کند، رعایت موازین زیر را ضروری می‌شمرد: الف- لغو اسرار حرفه‌ای بانک‌ها و کارخانه‌ها ب- صورت‌برداری از مواد خام و ج- ممنوعیت بستن کارخانه‌ها بدون اجازه ارگان‌های هدایت‌کننده. میلیوتین خاطر نشان ساخت که عملی نمودن موفقیت‌آمیز چنین اموری، اگرچه "هنوز سوسیالیسم به مفهوم عام" نیست اما گامی مهم در جهت سوسیالیسم است. البته وی پیش شرط این امر را انتقال قدرت به شوراهای خواند.

ان. پی. گلیوف- آویلوف (N. P. Glebov-Avilov) که بلشویک و عضو شورای مرکزی کمیته‌های کارخانه پتروگراد بود، با مشخص نمودن حیطه وظایف اتحادیه‌ها و کمیته‌های کارخانه، رک و راست کمیته‌ها را فراخواند، تحت سلطه اتحادیه‌ها قرار گیرند. به عقیده وی، تنها اتحادیه‌ها می‌توانستند در مورد تنظیم تولید تشخیص دهند، چه وقت، کجا و چه اقداماتی باید صورت گیرد؛ بدین

منظور برای عملی ساختن کنترل کارگری، ایجاد کمیسیون‌های کنترل اقتصادی را پیشنهاد می‌کرد. این کمیسیون‌ها می‌بایستی روی نقشه‌های تولید و پیشنهاد‌های عملی برای هدایت شاخه‌های صنعتی کار می‌کردند. طبق طرح آویلوف، کمیسیون‌های کنترل موظف بودند دستورالعمل‌های‌شان را از اتحادیه‌ها و نه مثلاً از شورای مرکزی کمیته‌های کارخانه بگیرند. نمایندگان کمیته‌های کارخانه در این ارگان‌ها شرکت داشتند، ولی می‌بایستی مأموریت خود را طبق دستورات اتحادیه‌ها انجام می‌دادند. بر این اساس به کمیته‌ها صرفاً یک نقش اجرایی داده می‌شد و در ادارات مرکزی اتحادیه‌ها ادغام می‌شدند. نام‌برده در سخنان خود خاطر نشان ساخت: "هنگامی که ما مسئله ایجاد کمیسیون‌های کنترل اقتصادی را پیشنهاد می‌کنیم، در عین حال می‌گوییم که کلیه کمیته‌های کارخانه، به منزله ... کوچکترین دستگاه‌های کنترل باید عملکرد خود را با این یا آن کمیسیون کنترل اتحادیه مربوطه، هماهنگ سازند." آویلوف نه تنها استقلال کمیته‌ها را در کمیسیون‌های مورد نظرش نفی می‌کرد، بلکه به عقیده او می‌بایستی "کمیته‌ها به لحاظ اقتصادی نیز به اتحادیه‌ها وابسته باشند." (۳۳) آویلوف اصرار داشت، برای هماهنگی کار کمیسیون‌های کنترل اقتصادی اتحادیه‌های منفرد، یک کمیسیون مرکزی در کنار شورای مرکزی اتحادیه‌های سراسر روسیه ایجاد شود. این شورا قرار بود در همین کنفرانس تشکیل گردد. کمیسیون کنترل مرکزی پس از تشکیل شدنش، به نوعی در حکم عالی‌ترین شورای اقتصادی پرولتری عمل می‌کرد.

اتحادیه‌چی‌های بلشویک با مطرح نمودن ارگان کنترل مرکزی، بر رهبری اتحادیه‌ها در زمینه اقتصادی تأکید می‌کردند. این به وضوح نشان می‌دهد که آنان با کنترل تولید توسط کمیته‌های کارخانه موافق نبودند. در طرح‌های آنان،

کمیته‌های کارخانه نه نقشی هدایت‌گر که صرفاً نقش اجرایی داشتند. بدین معنا که قرار بود اتحادیه‌ها و ارگان‌های مرکزی مقررات، قوانین و موازین کنترل را تدوین کنند و کمیته‌ها آن‌ها را به اجرا درآورند. بدین ترتیب تدوین نقشه‌های تولید و تعیین قوانین و مقررات آن در صلاحیت کمیته‌های کارخانه قرار نمی‌گرفت. بروگمان به درستی در این باره می‌نویسد: "برنامه [اخیر] بلشویک‌ها حدود صلاحیت‌های کمیته‌ها و اتحادیه‌ها را به دقت تعیین می‌کرد. این امر که [رهبران] بلشویک‌ها در کنفرانس کمیته‌های کارخانه بر این نکته [تابعیت کمیته‌ها به اتحادیه‌ها] اصرار نکردند، احتمالاً مربوط به دلایل تاکتیکی است. انتقادات لنین یا زینوویف در مقام رهبران حزب، درون کنفرانس کمیته‌های کارخانه، نسبت به استقلال کمیته‌ها می‌توانست به راحتی موجب بی‌اعتباری حزب بلشویک [در میان فعالین کمیته‌ها] گردد. ولی وقتی بلشویک‌ها از زبان رهبران اتحادیه‌ای خود و با تذکر ضرورت اجرای بدون اصطکاک کنترل کارگری خواستار تابعیت کمیته‌ها از اتحادیه‌ها می‌شدند، وضع فرق می‌کرد. اگر هم در این حالت اختلافی پدید می‌آمد، دیگر نه اختلافی بین حزب و کمیته‌ها، بلکه بین اتحادیه‌ها و کمیته‌ها محسوب می‌شد."

نکته مثبتی که در طرح آویلوف جلب توجه می‌کند، تدوین نقشه‌های تولید توسط ارگان‌هایی است که دستورات‌شان را نه از احزاب و دولت بلکه از شورای اقتصادی مرکزی اتحادیه‌ها می‌گرفتند. اگرچه برای این کار، کمیته‌های کارخانه نسبت به اتحادیه‌ها پیشروتر بودند و صلاحیت بیشتری داشتند، ولی نفس بیان این امر که کمیسیون‌هایی توسط یک تشکل کارگری برای تهیه نقشه‌های تولید به وجود آید، امر مثبتی است. امری که البته دیدگاه بلشویکی را نمایندگی نمی‌کرد. چنان‌چه بلشویک‌ها پس از کسب قدرت به شدت با این خواست که کنگره اتحادیه‌ها نقشه اقتصادی را تدوین کند و بر اقتصاد جامعه مسلط باشد،

مخالفت کردند. خود لنین مشخصاً این خواسته را "آنارکوسندیکالیستی" نامید. (۳۴)

منشویک‌ها نیز سیاست اقتصادی خود را در کنفرانس تشریح نمودند. اف. ا. چروانین که این سیاست را بیان کرد، هم‌چون میلیونین معتقد بود که تنها کنترل فوری بر اقتصاد، علاج نابسامانی کشور است. وی در این باره اقدامات زیر را پیشنهاد کرد: مرکزیت دادن به توزیع مواد خام، کنترل سیستم حمل و نقل، سندیکالیزه نمودن اجباری مهمترین شاخه‌های صنعتی، تثبیت قیمت‌ها و مالیات بستن بر اجناس لوکس. به عقیده چروانین این اقدامات تنها می‌توانستند از طریق ارگان‌های کنترل و هدایت دولتی تحقق یابند. دلیل او این بود که نه فقط کارگران بلکه کل دموکراسی انقلابی به تنظیم تولید علاقه‌مند است. به باور این منشویک نیز وظیفه کارگران این نبود که به تنهایی مسئولیت تولید را تقبل کنند. منشویک دیگری به نام گرینویچ هشدار داد: اگر کمیته‌های کارخانه مقاومت کنند و هم‌چنان بر استقلال‌شان پافشارند، نه تنها خطر فاجعه اقتصادی بلکه خطر شقه‌شقه شدن طبقه کارگر وجود دارد.

مسووع نهایی کنفرانس درباره برنامه اقتصادی، پذیرش و تصویب سیاست‌های احزاب سوسیالیستی راست بود. در قطعنامه پایانی به مسئله کنترل کارگری به عنوان هدف نزدیک و یا به انقلاب سوسیالیستی به مثابه هدف درازمدت توجهی نشد. کنفرانس اگرچه از تشکیل کمیته‌های کارخانه حمایت نمود، ولی وجود آن‌ها را به منزله نهاد مستقلى از اتحادیه‌ها نپذیرفت. قصد اتحادیه‌ها این بود که کمیته‌ها را به نهادهای فرودست خود تبدیل کنند. طبق

۳۴- در این باره مثلاً رجوع شود به لنین، "طرح اولیه قطعنامه دهمین کنگره حزب کمونیست روسیه درباره انحراف سندیکالیستی و آنارشستی در حزب ما"، آثار منتخبه در یک جلد، ص ۷۹۱-۷۹۰.

شروطی که در کنفرانس ذکر شد، نمایندگان کمیته‌ها می‌بایستی زیر نظر اتحادیه‌ها برگزیده می‌شدند و فهرست نام نامزدهای نمایندگی نیز توسط اتحادیه‌ها تهیه می‌گردید.

از نکات دیگری که به عنوان وظیفه کمیته‌ها بیان شد: تبلیغ نمودن اتحادیه‌ها در میان کارگران و نظارت بر اجرای مصوبات آن‌ها در کارخانه‌ها بود. بر این اساس کمیته‌ها باید مراقبت می‌کردند تا "قوانین حفظ نیروی کار و مصوباتی که اتحادیه‌ها به کرسی نشانده‌اند، به اجرا درآید" و "در جهت تقویت اتحادیه‌ها و گسترش نفوذ آن‌ها تلاش کرده، سهم خود را در وحدت مبارزاتی اداء نموده، در نظر کارگران غیر متشکل اعتبار اتحادیه‌ها را افزایش دهند." (۳۵)

ایجاد شورای مرکزی اتحادیه‌ها

یکی از نتایج کنفرانس، ایجاد "شورای مرکزی اتحادیه‌های سراسر روسیه" بود. پی‌ریزی این ارگان با اهداف: هماهنگ نمودن فعالیت اتحادیه‌های سراسری روسیه و هم‌چنین دفاتر مرکزی، کمک به ایجاد اتحادیه‌های جدید، ارتباط گرفتن با اتحادیه‌های کشورهای دیگر، نمایندگی مصالح جنبش اتحادیه‌ای در برابر دولت، کار روی اساسنامه نمونه و غیره صورت گرفت.

۳۵ تن به عنوان اعضای این شورا انتخاب شدند؛ ۱۵ تن از پتروگراد، ۱۵ تن از مسکو و ۵ تن نیز از سایر مناطق. در شورا احزاب مختلف شرکت داشتند. اعضای کمیته اجرایی آن به دلایل عملی و فنی تنها از میان نمایندگان دو پایتخت برگزیده شدند. گرینویچ منشویک به سمت رئیس کمیته اجرایی انتخاب شد. سایر اعضای کمیته عبارت بودند از: وی. جی. چیرکین (V. G. Chirkin)، ام. کامرماخر (M. Kamermacher)، کولتسوف (Koltsov)، آی. جی. ولکوف

(I. G. Volkov) [از منشویک‌ها]: باخوتوف (Bakhtov)، گلبوف-آویلوف، ریازانوف و ا. اس. لوزوفسکی.

ای. اچ. کار درباره این شورا می‌نویسد: "شورای مرکزی برگزیده کنفرانس ژوئن توان و سازمان به دست گرفتن رهبری را نداشت. و بنا بر تصویر تیره‌ای که لوزوفسکی بعدها ترسیم کرده است، این شورا فقط یک سازمان‌دهنده در اختیار داشت که به شهرستان‌ها بفرستد، و پیش از انقلاب اکتبر توانست فقط دو شماره از نشریه ماهانه خود را منتشر کند." "در نخستین کنگره اتحادیه‌های کارگری سراسر روسیه در ژانویه ۱۹۱۸، یکی از نمایندگان منشویک گفت که در ظرف شش ماه گذشته شورای مرکزی «مطلقاً هیچ کاری انجام نداده» و لوزوفسکی «تنها عضو فعال» آن بوده است.^{۳۶}

فصل هفتم

جنبش ژوئیه

واپسین روزهای ماه ژوئن در جوش و خروش دائم سپری می شدند. تظاهرات گسترده ۱۸ ژوئن که علناً خواستار انتقال قدرت به شوراها شده بود، اعتماد به نفس کارگران و توده‌های ستمکش را افزایش داده بود. آن‌ها در این میدان فرصت یافتند تا تناسب نیروها را در عمل بیازمایند. دیگر مشخص بود که برکناری دولت یک مطالبه توده‌ای است. چنین برداشتی، جنبش انقلابی را از درون به هم جوش می داد.

حفظ حکومت موقت و حتی اصلاح آن، امری متعلق به گذشته تلقی می شد. نیروهایی که مظهر گذشته بودند، خود را در خدمت آن می دانستند. اکنون اکثریت اهالی پتروگراد^(۱) از نظر تحولات ایدئولوژیکی که طی انقلاب و مبارزه از سر گذرانده بودند، از زندگی تلقی دیگری داشتند. تمایلات فکری، برداشت‌ها و

۱ - تأکید ما در این جا روی پتروگراد است. امالات و سایر مناطق روسیه مجموعاً هم به این مرحله نرسیده بودند.

رفتار سیاسی آنان به گونه دیگری بود. منافع خود را در روابط جدیدتری می‌جستند. آن‌ها با وجود حکومت موقت و در چارچوب آن امید چندانی برای تغییر در زندگی و وضعیت خود و برقراری صلح در جبهه‌ها نداشتند، و احساس می‌کردند تنها با دگرگون نمودن قدرت سیاسی و یا لاقابل تغییر آن، راه حل فوری همه آلام جانگداز خود را خواهند یافت. چنین روحیه‌ای فعالیت‌های مستقیم کارگران را برای ایجاد تغییرات انقلابی تشدید می‌کرد. شعار تمام قدرت به شوراهای در آن هنگامه متحد کننده و بسیج کننده بود و جنب و جوش ژوئن زیر آن صورت می‌گرفت.

تلاطمات ژوئن، شرایط را برای جنبش ژوئیه آماده کرد. در روز ۳ ژوئیه، یعنی حدود دو هفته پس از تظاهرات ۱۸ ژوئن، کارگران و سربازان پتروگراد به ابتکار خویش و این بار مسلح به خیابان‌ها ریختند و از کمیته اجرایی شوراهای خواستند قدرت را در دست بگیرد. احزاب در برپایی این تظاهرات سهمی نداشتند. آن‌ها نه تنها به آن فراخوان نداده بودند، بلکه تظاهرات علیرغم خواسته آن‌ها آغاز شد.

میلیشیای کارگری در رویدادهایی که به جنبش ژوئیه منتهی شد، نقش مهمی داشت. از اینرو ضروری است قبل از این که جنبش ژوئیه را پی گیریم، توضیحاتی درباره این سازمان کارگری داده شود. میلیشیای کارگری با انقلاب فوریه پا گرفت. در اولین روزهای ماه مارس در تمام کارخانه‌های پتروگراد، کارگران برای خدمت در آن داوطلب و یا انتخاب می‌شدند. کمیته‌های کارخانه، کمیسیون‌های میلیشیا برپا کردند. بنابراین میلیشیا پیوند نزدیکی با کمیته‌ها داشت. میلیشیا بازوی نظامی کارگران برای اعمال کنترل کارگری بود. کمیته اجرایی شوراهای از همان آغاز با موجودیت این سازمان کارگری مخالفت کرد. کمیته اجرایی در ۷ مارس یعنی حدود یک هفته پس از پیدایش میلیشیای

کارگری، تصمیم گرفت آن را درون میلشایای مردمی (که تحت فرمان دومای شهری بود) ادغام کند. اما با مقاومت و اعتراض روبه‌رو شد.

میلشایای کارگران پتروگراد در ۲۷ مه کنفرانسی ترتیب داد. در کنفرانس تلاش‌های کمیته اجرایی شوراها و دومای شهری برای ادغام میلشایای کارگران در میلشایای مردمی شدیداً تقبیح شد. کنفرانس اعلام کرد که کمیته اجرایی و دوما قصد دارند به توده مردم "نیروی پلیسی از نوع اروپای غربی تحمیل کنند که در سراسر دنیا مورد نفرت اکثریت طبقات فقیر است." کنفرانس سپس با پیشنهاد بلشویک‌ها مبنی بر سازماندهی مجدد میلشایای کارگران "به عنوان مرحله گذار به سوی تسلیح همگانی ساکنین پتروگراد" موافقت کرد. بسیاری از کمیته‌های کارخانه از تصمیمات کنفرانس حمایت نمودند.

کنفرانس دوم میلشایای کارگری در ۳ ژوئن برگزار شد و یک شورای هماهنگی ایجاد نمود. شورا ۱۱ عضو داشت؛ ریاست آن با یک آنارشист و متشکل از ۷ بلشویک و حداقل یک اس-ار بود.^(۲) همین شورا در تبلیغات برای تظاهرات مسلحانه ژوئیه نقش مهمی داشت.^(۳)

در آن ایام ارتش روسیه به فرمان کرنسکی (وزیر دفاع وقت) دست به تهاجم در جبهه‌ها زده بود. تهاجم فضای سراسر کشور را تحت تأثیر خود قرار داده بود. سربازان که مستقیماً در معرض تهدید اعزام به جبهه‌ها بودند، علیه حکومت موقت و کرنسکی وارد عمل می‌شدند. آن‌ها نمایندگان را به کارخانه‌ها می‌فرستادند و خواهان اقدام مشترک با کارگران علیه حکومت بودند. همبستگی سربازان و کارگران بالا گرفته بود. طبق روایتی، مسلسل‌دارهای اعزامی به

۲ اطلاعات مربوط به میلشایای کارگری از اسمیت، همانجا، صص ۱۸۱-۱۹۸ اخذ شده است.

۳ اسمیت توضیح می‌دهد که در تبلیغات برای تظاهرات مسلحانه اوایل ژوئیه، اعضای بلشویک شورای ملیشیا کاملاً خارج از کنترل کمته مرکزی حزب خود عمل می‌کردند.

کارخانه پوتیلوف خطاب به کارگران می‌گفتند: به آن‌ها دستور داده شده است که روز ۴ ژوئیه به جبهه بروند، اما آن‌ها تصمیم گرفتند^۴ نه بر علیه طبقه کارگر آلمان، بلکه بر ضد وزرای سرمایه‌دار روس وارد جنگ شوند.^(۴)

در هر کارخانه، کارگران مسلح می‌شدند و دسته دسته به خیابان‌ها آمده، صف می‌کشیدند. طبق تخمین روزنامه‌های بلشویکی، در تظاهرات حدود ۳۰۰۰۰۰ کارگر شرکت نمودند. خواست اساسی تظاهرکنندگان تغییر قدرت سیاسی و مهمترین شعار آنان "تمام قدرت به دست شوراهای" بود. علاوه بر آن کارگران در قطعنامه‌ای که به امضای کارگران ۵۴ کارخانه بزرگ پتروگراد رسیده بود، خواسته‌های دیگر خود را مطرح کرده بودند. این خواسته‌ها عبارت بودند از: اقدامات جدی علیه محدودیت‌های تولید و علیه جلوگیری از ورود کارگران به کارخانه‌ها و نیز بهبود وضعیت تغذیه. قطعنامه مذکور به ابتکار کمیته‌های کارخانه تدوین شده بود.^(۵) بدین ترتیب کمیته‌های کارخانه نقش بسیار مهمی در طرح خواسته‌های تظاهرات ژوئیه و توده‌گیر نمودن این خواسته‌ها داشتند.

برخلاف کمیته‌ها که در سازماندهی کارگران در روزهای ژوئیه سهم بسزایی داشتند، اتحادیه‌ها فعالیتی از خود نشان ندادند. نه اتحادیه‌های جداگانه و نه شورای مرکزی آن‌ها در پتروگراد، سعی نکردند به شکلی، از طریق فراخوان و یا آکسیون‌های ویژه خود، روی حوادث تأثیر بگذارند. احتمالاً یکی از دلایل سردرگمی اتحادیه‌ها در این بود که حرکت نه توسط احزاب بلکه از پایین شکل گرفته بود. رهبران اتحادیه، علی‌القاعده از اعضای بالای حزبی، و هرکدام از آنان طبعاً با وظایف تکنیکی و تبلیغی احزاب خود سرگرم بودند. لذا نمی‌توانستند و یا فرصت نداشتند به سرعت به نام رهبری اتحادیه‌ها نیز اقدام

۴- به نقل از تروتسکی، همانجا، جلد دوم، ص ۲۶

۵- پروگمان، همانجا، ص ۹۲

نمایند.

دو حزب بلشویک و منشویک در مقابل جنبش ژوئیه، مواضع متضادی داشتند. منشویک‌ها کلاً با تظاهرات مخالف بودند، آن را در جهت تقویت ضد انقلاب می‌دانستند و می‌کوشیدند مانع آن شوند. تظاهرات ژوئیه گرچه با مقاصد انقلابی حزب بلشویک هم‌خوانی داشت، اما حزب در آن مقطع، موقعیت را برای قیام نامساعد می‌دید و صلاح کار را در حرکات تعرضی نمی‌دانست. بر همین اساس نیز بلشویک‌ها کوشیدند پیش از آغاز تظاهرات از آن جلوگیری کنند. تومسکی (بلشویک و یکی از رهبران اتحادیه‌ها) ضمن مخالفت با تظاهرات، خاطر نشان ساخت: "در این لحظه محال است بتوان از تظاهرات سخن گفت، مگر آن که انقلاب جدیدی خواسته باشیم."^(۶) طبق گزارش مطبوعات، بلشویک‌های عضو شورا حتی تا بعد از ظهر ۳ ژوئیه آمادگی خود را برای رفتن به کارخانه‌ها و پادگان‌ها جهت تبلیغ علیه تظاهرات اعلام می‌کردند.^(۷) لنین نیز بارها به این واقعیت اشاره می‌کند که بلشویک‌ها بدو کوشیدند از تظاهرات جلوگیری نمایند و خشم تظاهرکنندگان را فرو نشانند.^(۸)

به هر حال جلوگیری از تظاهرات امکان‌پذیر نبود. جنبش، بلشویک‌ها را به درون خود کشاند. حزب می‌دانست اگر با تظاهرات همراهی کند، می‌تواند به آن سمت دهد. پس در روز دوم تظاهرات (۴ ژوئیه) با صدور اطلاعیه‌ای از تظاهرکنندگان خواست تا به گونه "آرام و سازمان‌یافته" تحت شعار "همه قدرت به شوراها" به حرکت خود ادامه دهند. موضع کمیته اجرایی شوراها در برابر حرکت ژوئیه کاملاً دشمنانه بود. این کمیته که اکثریت آن از منشویک‌ها و اس-ارها

۶- به نقل از تروفسکی، همانجا، جلد دوم، ص ۲۹

۷- سوخاتوف، همانجا، ص ۴۲۳

۸- در این باره رجوع شود به مجموعه آثار لنین به زبان آلمانی، جلد ۲۵، ص ص ۱۶۶، ۱۶۸،

۲۰۵، ۲۱۰، ۳۰۲ و ۳۲۱.

تشکیل شده بود، بیانیه‌ای صادر کرد و در آن هرگونه تظاهرات را خیانت به انقلاب نامید.

یکی از نقاط عطف جنبش ژوئیه، اجتماع پرشکوه ۳۰ هزار کارگر مسلح کارخانه پوتیلوف در جلوی قصر تاورید، محل برگزاری جلسات کمیته اجرایی شوراها بود. این اجتماع عصر ۴ ژوئیه و هم‌زمان با جلسه کمیته اجرایی تشکیل شد. کارگران پوتیلوف تعدادی از نمایندگان خود را به جلسه کمیته اجرایی فرستادند. یکی از نمایندگان کارگران با اسلحه به پشت تریبون رفت و خطاب به اعضای کمیته اجرایی شوراها گفت: "رفقا! ما کارگران تا کی باید خیانت را تحمل کنیم؟ شما در این جا جمع شده‌اید، با هم مشورت می‌کنید، با بورژوازی و ملاکین قرار و مدارهایی می‌بندید... شما مشغول خیانت به طبقه کارگر هستید. پس بدانید که طبقه کارگر این را تحمل نخواهد کرد! ما ۳۰ هزار کارگر پوتیلوف، در این جا حضور داریم. هیچ‌یک از ما غایب نیست... ما اراده‌مان را به کرسی می‌نشانیم! یادتان باشد که دیگر بورژوازی نباید وجود داشته باشد! همه قدرت به شوراها! اسلحه‌های ما محکم در دستان‌مان هستند! ما گول کرنسکی و تسره‌تلی شما را نخواهیم خورد..." (۹)

در همین روزها، کمیته اجرایی شوراها نمایندگان کارگران و سربازان و کمیته اجرایی شورای نمایندگان دهقانان جلسه مشترکی ترتیب داده بودند. در نشست فوق ۹۰ نماینده از ۵۴ کارخانه و کارگاه حضور داشتند. نمایندگانی که در این جلسه سخنرانی کردند، نسبت به بیانیه‌های کمیته اجرایی اعتراض نمودند. زیرا در این بیانیه‌ها تظاهرکنندگان به عنوان عناصر ضدانقلاب تخطئه شده بودند. اولین نماینده گفت: "در این جا نمایندگان ۵۴ کارخانه هستند. لازم نیست درباره آن‌چه روی داده صحبت شود. جای شگفتی است که انسان در گزارش کمیته

اجرایی بخواند، کارگران و سربازان ضد انقلاب هستند. خواست ما خواست کارگران است، (یعنی) همه قدرت به دست شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان. خطاب این خواست به شما هم هست. این یک واقعیت است و باید از آن حرکت کرد. "نماینده دوم اظهار داشت: "من هم نماینده ۵۴ کارخانه هستم شما می بینید که روی پلاکاردها چه نوشته شده است. همین مسئله در همه کارخانه ها بیان می شود... گرسنگی در کارخانه ها ما را تهدید می کند. ما خواستار استعفای ۱۰ وزیر سرمایه دار هستیم ما به شورا اعتماد داریم، اما نه به کسانی که مورد اعتماد شورا هستند... ما خواستاریم که زمین ها فوراً مصادره گردیده، و کنترل بر صنعت برقرار شود. ما خواستار مبارزه با گرسنگی ای هستیم که تهدیدمان می کند." سومین نماینده تصریح نمود: "مسئله نه بر سر حرف بلکه بر سر عمل است. ما شروع به عمل می کنیم، اما شورا متأسفانه به آن چه اتفاق می افتد، توجه نمی کند. ما به این جا فرستاده شده ایم تا بخواهیم شوراها فوراً قدرت را به دست بگیرند. زمین باید بی درنگ و بدون هیچ مجمع تدوین قانون اساسی ای، به مردم منتقل شود. ما به اندازه کافی با حرف سردوانده شده ایم. من مایلم از نویسندگان بیانیه [کمیته اجرایی] بپرسم: چه کسی به قدرت شوراها حمله کرده است؟ و چه کسی انقلاب را برای روسیه به ارمغان آورد؟ ما الان احتیاج به انتقال فوری قدرت به دست شوراها داریم." نماینده چهارم هم صحبت های مشابهی کرد. هم چنین نماینده شورای نمایندگان کارگران و سربازان محله پترهوف نیز صحبت کرد. وی گفت به نام ۲۰ هزار اهالی منطقه خود صحبت می کند و خواستار انتقال قدرت به شوراها است. (۱۰)

تظاهرات در روز ۴ ژوئیه به خون کشیده شد و در بخش های گوناگون شهر درگیری های خونینی رخ داد. در روز ۵ ژوئیه کمیته مرکزی بلشوریک ها که

شرایط را برای فراتر رفتن جنبش ژوئیه نامساعد ارزیابی می‌کرد، طی قطعنامه‌ای از کارگران و سربازان خواست به تظاهرات خود پایان دهند. پس از ختم تظاهرات، حکومت موقت فرصتی که در انتظارش بود به دست آورد، حکومت بلافاصله به سرکوب میلشیای کارگری پرداخت.^(۱۱) بی‌رحمانه علیه نیروهای چپ و به‌خصوص بلشویک‌ها وارد عمل شد. "چاپ‌خانه ترود (Trud) که نشریات اتحادیه کارگری بلشویکی چاپ می‌کرد در ۵ ژوئیه به ویرانی کشیده شد. چند روز بعد مقرر اتحادیه کارگران فلزکار که بزرگترین اتحادیه کارگری روسیه بود مورد حمله قرار گرفت."^(۱۲) به رهبران حزب و به‌ویژه لنین انگ جاسوس آلمانی زدند؛ روزنامه‌های بلشویکی تعطیل و توقیف گشتند؛ واحدهای نظامی بلشویک‌ها منحل گردیدند و مقرر علنی حزب بلشویک در پتروگراد اشغال شد. لنین به ناچار مخفی شد و برخی از افراد برجسته حزب دستگیر شدند.

تعرض به دستاوردهای کارگران

روزهای ژوئیه در روند انقلاب روسیه، دو جهت داشت. از یک سو طبقه کارگر با انسجام بیشتری در خیابان‌ها ظاهر شد و واضح‌تر از پیش خواستار برکناری حکومت موقت گشت. از سوی دیگر دولت و سرمایه‌داران کوشیدند خود را از

۱۱- با سرکوب میلشیای کارگران توسط دولت، موجودیت بر فراز و نشست ۵ ماهه میلشیا پایان یافت (رجوع شود به اسامیت، همانجا، ص ۱۰۲). اما تجربه آن در اندیشه طبقه کارگر، روسیه داخلی مانند تجربه‌ای که نشان داده بود، کارگران اگر نخواهند فرمان از نظام سرمایه‌داری روند، نمی‌توانند بدون داشتن قدرت نظامی، حشش خود را در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی به پیش بزنند. با این تجربه بود که کارگران در ماه اوت با شتاب تشکیلات مسلح خود را برای مقابله با کم‌دنیای کم‌ریسوف احیاء کردند.

۱۲- رابینوویچ، همانجا، ص ۱۱۷

سردرگمی و بلا تکلیفی برهاند و همه نیروهای خویش را برای سرکوب انقلاب بسیج کنند.

همان‌گونه که اشاره شد، حکومت برای مسلط شدن بر اوضاع، سیاست سرکوب را پیش گرفت. و هم‌زمان با درهم‌کوبی میلشهای کارگری کوشید چپ را از سر خود باز کند. تهمت و افتراء به لنین، فرمان‌دستگیری رهبران بلشویک‌ها، تعرض به جدی‌ترین نیروهای مخالف، آزاد گذاردن باندهای سیاه و مرتجع، بگیر و ببند و خفقان سیاسی، همین هدف را دنبال می‌کرد. صاحبان صنایع که از اواخر ژوئن حمله جدیدی به دستاوردهای کارگران کرده بودند، با سرکوب ژوئیه به تحرکات خود افزودند. اقدامات اتحادیه‌های کارخانه‌داران از حمایت حکومت ائتلافی برخوردار بود. آنان با تمام قدرت علیه به اصطلاح "آنارشیزم کارگری" وارد صحنه شدند. هدف اصلی‌شان احیای دوباره رابطه فرماندهی - فرمانبری در صنایع بود. برای رسیدن به این هدف کمیته‌های کارخانه و دخالت کارگران در امور کارخانه را نشانه گرفتند. نگاهی به چند نمونه از این تعرضات بیاندازیم:

در اواخر ژوئن کمیته‌های صنایع جنگی^(۱۳) طرحی را منتشر کردند که هدفش سلب اختیار از کمیته‌های برگزیده کارگران و ضربه اساسی به فعالیت مستقل کارگران بود. عنوان طرح "مشاوره ویژه برای پشتیبانی از دولت" بود. در آن طرح به جای کمیته‌هایی که آزادانه و از جانب کارگران انتخاب می‌شدند، افرادی منصوب می‌گردیدند که اختیارات تام داشتند. حق تنظیم روابط بین کارگران و مدیریت، تعیین دستمزد، استخدام و اخراج کارگران به آن‌ها سپرده می‌شد. آنان حتی حق داشتند برای حفظ نظم، از نیروهای نظامی کمک بخواهند. این طرح اعتراضات گسترده‌ای در میان کارگران برانگیخت. نشریه کارگران

۱۳ - د. د. کمیته‌های صنایع جنگی رجوع شد. به فصل اول همین اثر

چاپ درباره آن نوشت: "رؤسای منطقه‌ای که براساس طرح فوق برای هر کارخانه در نظر گرفته شده‌اند، متخصصین اونیفورم‌پوش مسائل کارگری هستند که قرار است تولید را هدایت کنند. ضدانقلاب چه چیزی بهتر از این می‌توانست طرح ریزی نماید؟" (۱۴)

از نمونه‌های دیگر تعرض کارفرمایان انتشار طرحی درباره حداکثر دستمزدها بود که در تاریخ ۸ ژوئیه در نشریه صنعت و تجارت به چاپ رسید. کارفرمایان قصد داشتند با این طرح از یک طرف جنبش افزایش دستمزدها را غیرقانونی نمایند و از سوی دیگر ممانعت از ورود کارگران به کارخانه‌ها را رسمیت بخشند. در صورت به اجرا درآمدن آن، کارفرمایان می‌توانستند، تشکلات کارگری را از هرگونه دخالتی در امور اقتصادی باز دارند.

مدتی بعد، صاحبان صنایع اورال خطاب به وزیر صنعت و تجارت نوشتند: "کارخانجات هیچ نوع کمیته و نهادی را به رسمیت نخواهند شناخت. مدیر کارخانه آقای مؤسسه است و هر آن‌چه را که صلاح می‌داند، انجام می‌دهد. آن‌ها آشکارا نوشتند: "صاحبان صنایع در مسائلی که به کنترل اجتماعی و دولتی مربوط می‌شود، هرگز هیچ شکلی از کنترل را نپذیرفته‌اند و نخواهند پذیرفت." (۱۵) بیانیه‌های مشابهی نیز توسط کارخانه‌داران صنعت فلز، اتحادیه کارفرمایان صنعت نفت باکو، اتحادیه کارفرمایان کارخانه‌های نساجی منطقه صنعتی مرکز، صاحبان معادن زغال‌سنگ جنوب روسیه و تعدادی از تشکلات کارفرمایی دیگر نگاشته شد. (۱۶)

۱۴ - به نقل از بانکراتوا، همانجا، ص ۱۸۶

۱۵ - بانکراتوا، همانجا، ص ۱۸۸

۱۶ - همانجا، ص ۳۳۳

واکنش تشکلات کارگری در مقابل سرکوب ژوئیه

تشکلات کارگری در برابر تعرضات دولت به نیروهای چپ و آزادی مطبوعات، به سرعت و با هوشیاری و تیزبینی قابل ستایشی عکس العمل نشان دادند. هم‌زمان با آغاز سرکوب‌ها در روزهای ۶ تا ۷ ژوئیه، دفتر مرکزی کمیته‌های کارخانه، دفتر مرکزی اتحادیه‌ها و رهبری اتحادیه‌های پتروگرا د مشترکاً جلسه‌ای برگزار نمودند. در این مجمع که ۲۵۸ نماینده شرکت داشتند، قطعنامه‌ای تنظیم شد که با ۲۵۴ رأی موافق، ۴ رأی ممتنع و بدون رأی مخالف به تصویب رسید. متن قطعنامه به شرح زیر است:

"انقلاب روسیه در بحران قرار دارد. بورژوازی روسیه خود را برای تسخیر قدرت متشکل کرده است. انقلاب روسیه، برخلاف آرزوهای ضد انقلابیون، از این آزمایش نیز سربلند بیرون خواهد آمد. بورژوازی متشکل که در اصلاحات انقلابی اخلال می‌کرد، صفوف انقلاب را ترک کرده است. بورژوازی جبهه مبارزه را علیه مردم انقلابی گشوده است. اکنون وظیفه‌ای دشوار، و مسئولیت همه‌جانبه و بی‌نهایت پرافتخاری در برابر پرولتاریا و دهقانان قرار گرفته است. کارگران و دموکراسی دهقانی از این پس باید به تنهایی انقلاب را تا فرجام پیروزمندانه‌اش به پیش ببرند. ضدانقلاب قادر است در شرایطی که صفوف دموکراسی انقلابی پراکنده است به سادگی خود را برای ضربه زدن آماده کند.

برای فراخواندن مجمع تدوین قانون اساسی، برای رهایی روسیه از جنگ امپریالیستی، برای تحقق کلیه اصلاحات اجتماعی لازم جهت نجات انقلاب؛ کارگران و دموکراسی انقلابی موظفند به‌طور متشکل از ارگان‌های تام‌الاختیار دموکراسی انقلابی [یعنی] شوراهای نمایندگان کارگران، سربازان و دهقانان پشتیبانی کنند ... و ما بار دیگر به شما می‌گوییم: تنها استحکام سازمان‌های طبقاتی، سیاسی و اتحادیه‌ای، ما را از بن‌بست بیرون خواهد آورد و شرایط

مبارزه برای اهداف نزدیک و اهداف نهایی‌مان را فراهم خواهد کرد.^{۱۷} در قطعنامه دیگری علیه "بهتان شرم‌آور به لنین، تروتسکی، کامنف، زینوویف و دیگران" اعتراض شده بود. گردهم‌آیی مذکور علیه هرگونه محدودیت آزادی مطبوعات موضع گرفت و نشریاتی را که بر ضد نیروهای انقلابی سمپاشی می‌کردند، تحریم نمود.

طبقه کارگر نه تنها توسط قطعنامه‌های خود بلکه عملاً نیز در مقابل سیاست سرکوب‌گرانه حکومت موقت، بلشویک‌ها را زیر چتر دفاعی خود قرار داد. تروتسکی از شلیاپنیکوف نقل می‌کند: در رویدادهای ژوئیه حزب تماماً جنبه نیمه قانونی یافت، و ناچار شد دست به مبارزه تدافعی بزند، و در این راه متکی به اتحادیه‌های کارگری و کمیته‌های کارگاه و کارخانه باشد.^{۱۸} همه شواهد نشان می‌دهند که کارگران در مقابل حکومت موقت از بلشویک‌ها حمایت کردند.

"زندگی نوین نمی‌خواهد منتظر بماند"

کارگران کارخانه بزرگ پوتیلوف که سهم بسزایی در انقلاب داشتند، در هنگام رویدادهای ژوئیه نامه‌ای خطاب به همه شهروندان روسیه نوشتند. در این نامه می‌توان جلوه‌هایی از تمایلات، برداشت‌ها، آرزوها، آلام، تجارب و انتقاد کارگران آگاه را از زبان خودشان خواند. سندی که در آن احساسات ژرف و اندیشه نافذ کارگران در یک شرایط انقلابی بیان شده است. در زیر متن نامه را می‌آوریم؛ خود آن به اندازه کافی گویاست و احتیاج بیشتری به تفسیر ندارد.

نامه کارگران پوتیلوف پتروگراد به همه شهروندان

"... شهروندان! کارگران پوتیلوف برای اولین بار نیست که به خاطر مصالح

۱۷ - لورنس، همانجا، صص ۸۰-۷۹

۱۸ - رجوع شود به تروتسکی، همانجا، صص ۲۵۰-۲۴۹

عمومی طبقه کارگر خون می‌دهند. به ۹ ژانویه [۱۹۰۵] فکر کنید.^(۱۹) به افتراات بی‌پایه‌ای که اکنون در خیابان‌های پتروگراد به گوش می‌رسد، توجه نکنید! در این روزها، سوم و چهارم ژوئیه، ما فرزندان راستین انقلاب با قلب‌های پاک به خیابان‌ها رفتیم و نه بر ضد شورای نمایندگان کارگران و سربازان، بلکه در حمایت از آن راهپیمایی کردیم. به همین جهت بر روی پرچم‌های مان نوشته شده بود: «همه قدرت به شوراها». وقتی شروع به حرکت کردیم، به ما تیراندازی شد. به همین دلیل تعدادی از ما برای دفاع از خود، به اسلحه دست بردند. در ۹ ژانویه خدمت‌کاران وفادار کاخ رومانوف به ما تیراندازی کردند. اکنون با اطمینان روشن شده است که فتنه‌انگیزان - دشمنان آزادی روسیه و دشمنان کارگران - اولین تیرها و بخشی از تیرهای متقابل را شلیک کرده‌اند.

شهروندان! زندگی نوین نمی‌خواهد منتظر بماند. این زندگی با منطق رویدادهای جاری، سرسختانه مردم انقلابی را به خیابان‌ها می‌کشاند، و اغلب خیابان سرنوشت منازعه را تعیین می‌کند. با این حال ما متأسفانه تنها هستیم. ما به اندازه کافی نیروهای متشکل در اختیار نداریم. کارگران آگاه بیش از حد پراکنده‌اند و اغلب نه به کل طبقه کارگر، بلکه به بسیاری از فراکسیون‌ها و فرقه‌های مضر به حال آن خدمت می‌کنند. ما به حال خود رها شده‌ایم. ظاهراً شورای نمایندگان کارگران شروع کرده، بدون کارگران فعالیت کند. [این شورا] مدام از ما بیشتر جدا شده و کادرهایش در خرده‌کاری‌های خسته‌کننده اجرایی غرق گردیده‌اند. حکومت موقت نیز کاملاً در اشکال بوروکراتیک و مرده منجمد شده است.

وضعیت اقتصادی و سیاسی قبل از رویدادهای سوم و چهارم ژوئیه چنین به

۱۹ - در روز ۹ ژانویه ۱۹۰۵ (یکشنبه خونین)، پلیس و ارتش به راهپیمایی کارگران شلیک کردند و صدها تن کشته و معزول شدند.

نظر شما، کارگران می‌آمد. شهروندان! با اعتماد به دودکش‌های سر از زمین برآورده سیاه دوداندود نگاه کنید. آن‌جا، در پایه آن دودکش‌ها، اگرچه ارزش‌های مورد نیاز شما آفریده می‌شود، انسان‌هایی مانند شما زیر یوغ استثمار مطلق و بیرحمانه‌ای در رنج و غذاب هستند. در آن‌جا آگاهی طبقاتی آرام آرام به بلوغ می‌رسد. نفرت در قلب‌ها انباشته می‌شود... (۲۰)

چرخش بلشویک‌ها به سوی کمیته‌های کارخانه

پس از سرکوب ژوئیه، بلشویک‌ها شعار همه قدرت به دست شوراهای را پس گرفتند. لنین در این باره نوشت: "این شعار در آن دوره‌ای از انقلاب ما که برای همیشه سپری شده است، یعنی در فاصله بین ۲۷ فوریه تا ۴ ژوئیه صحیح بود، ولی امروز دیگر به کلی صحت خود را از دست داده است." (۲۱) وی در این مقطع "راه مسالمت‌آمیز بسط دامنه انقلاب" را غیرممکن خوانده، تأکید می‌نمود: "شعار انتقال قدرت به دست شوراهای اکنون دونکیشوتیسم یا مضحکه‌ای بیش نخواهد بود." (۲۲) بدین ترتیب تصاحب قدرت سیاسی از راه قهرآمیز در دستور حزب قرار گرفت. اما حزب به تنهایی قادر نبود قدرت حاکمه را سرنگون سازد. اکنون مسئله برای لنین این بود که کدام یک از سازمان‌های توده‌ای می‌بایستی در خدمت حزب این مهم را انجام می‌داد. در این جا و به این معنا بود که کمیته‌های کارخانه در مرکز توجه لنین قرار گرفتند. زیرا این نهادها قاطعانه‌ترین موضع را نسبت به حکومت دارا بودند و توهمی به آن نداشتند.

این موضوع به‌ویژه در رویدادهای ژوئیه بازتاب عینی‌تر و ملموس‌تری

۲۰- لورنس، همانجا، ص ۸۲-۸۱، کوشه از ماست

۲۱- لنین، "در اطراف شعارها"، آثار منتخبه در یک جلد، ص ۴۸۰

۲۲- همانجا، ص ۴۸۱-۴۸۰

داشت. کمیته‌های کارخانه مصمم‌تر از همه تشکلات توده‌ای در مقابل تهاجم دولت و سرمایه‌داران ایستادگی می‌کردند. آن‌ها نه فقط در پطروگراد بلکه در سایر مناطق روسیه مثل ایوانوو-وزنسک و اورشائیز در کشمکش‌های این ماه کارگران را بر ضد حکومت بسیج کردند.

لنین که در نامه‌اش به کنگره شوراها حتی از ذکر نام کمیته‌های کارخانه اباها داشت، با تغییر توازن قوا، لحن خود را نسبت به آن‌ها تغییر داد. او این بار کمیته‌های کارخانه را نقطه اتکاء حزب خواند، و نوشت: "ما باید کمیته‌های کارخانه را در مرکز توجه‌مان قرار دهیم. ما باید راه‌حل‌مان را تغییر دهیم و به جای «همه قدرت به دست شوراها»، بگوییم «همه قدرت به دست کمیته‌های کارخانه»."^{۲۳}

اجازه دهید قدری روی این "تغییر راه‌حل" تأمل کنیم. آیا می‌توان طرح این شعار توسط لنین را جدی گرفت؟ کمیته‌های کارخانه تجلی سازمانی دخالت کارگران در امور تولید بودند. کمیته‌ها در جریان انقلاب و برای دفاع از حقوق کارگران به تغییر مناسبات قدرت در کارخانه‌ها و نفی اتوریته مدیریت از بالا رسیده بودند. مبارزه کمیته‌ها با دولت بدین جهت بود که حکومت به همراه سرمایه‌داران تلاش می‌نمود تا روابط گذشته را در کارخانه‌ها بازتولید کند. در پرتو این مبارزه، از ارتباط درونی و پیوند میان قدرت سیاسی و مناسبات قدرت در کارخانه شناخت حاصل می‌شد. بنابراین اگر کسی رویکردی به کمیته‌های کارخانه داشت، می‌بایستی در قدم اول قاطعانه آن‌ها را به عنوان تشکل کارگران برای دخالت در امور تولید به رسمیت می‌شناخت.

اما آیا لنین با چنین نگرشی به کمیته‌ها رجوع کرده بود؟ به یاد داشته باشیم

۲۳ - پروگمان، همانجا، ص ۹۶، به نقل از منبع زیر از اورژونیکیدزه

Ordzhonikidze, D. K., Izbranny Stati, i rechi, 1911-1937, Moskva 1939, S. 124

یک ماه پیش‌تر از این تاریخ (۹ ژوئن)، لنین نامه‌ای به اولین کنگره شوراهای نوشته بود. در آنجا وی نظر خود را پیرامون اولین گام برای کنترل ساده تولید و توزیع بیان نموده بود. برای این کار شوراهای اتحادیه‌ها و احزاب سیاسی، همگی در نظر گرفته شده بودند، اما در لیست او حتی نامی از کمیته‌های کارخانه برده نشده بود.^(۲۲) چگونه است که در این هنگامه به ناگاه، سخاوت‌مندانه آنان را به جای "شوراهای" می‌نشانند؟

واقعیت این است که مسئله برای لنین کسب قدرت سیاسی توسط حزب بلشویک بود. مسئله اساسی لنین این بود که کدام‌یک از سازمان‌های توده‌ای را می‌تواند در خدمت حزب خود، بسیج کند. کمیته‌های کارخانه از این جهت مورد عنایت وی قرار گرفته بودند که پراتیک آن‌ها با سیاست بلشویک‌ها در جهت سرنگونی حکومت موقت هم‌خوانی داشت. چرخش تاکتیکی لنین به سوی کمیته‌ها را می‌توان بر این پایه توضیح داد: نه این باور که کمیته‌ها ابتکارات از پایین کارگران را نمایندگی می‌کردند و یا مثلاً تشکل سازمانی آن‌ها برای تسلط بر تولید بودند.

خلاصه این‌که: برای لنین کمیته‌های کارخانه وسیله‌ای بود که حزب می‌توانست با استفاده از آن قدرت سیاسی را تسخیر کند. تحول سازمان اجتماعی کار، دگرگونی تقسیم‌کار و تحقق ساخت جدید تولید، در اندیشه لنین برای رجوع به کمیته‌ها جایگاهی نداشت.

فصل هشتم

تقلا برای اعاده اقتدار

بعد از حوادث ژوئیه، حکومت مشغول خلع سلاح کارگران، تضعیف سازمان‌های آنها، تشدید خفقان و تحکیم انضباط در ارتش، توقیف اعضای کمیته‌های زمین در ایالات و پیگرد سران حزب بلشویک بود. چنین به نظر می‌رسید که سرکوب ژوئیه توازن قوا را به نفع طبقات دارا تغییر داده است. عقب‌نشینی کارگران و سربازان برای کسانی که از زمان وقوع انقلاب مستمراً شاهد نزول قدرت و اقتدار خود بودند، دلگرم‌کننده بود. ملاک‌ها، بازرگانان، کارخانه‌داران و ژنرال‌های عالی‌رتبه ارتش برای اعاده قدرت سابق خود سربلند کردند. آنها برای نجات از مزاحمت‌های تشکلات توده‌ای و "آنارشی چپ" در اندیشه علم کردن دست آهینی بودند.

یکی از اولین اقدامات کرنسکی بعد از احراز مقام نخست‌وزیری در ۸ ژوئیه، انتصاب کورنیلوف به سمت فرمانده جبهه جنوب غربی بود. کورنیلوف به محض انتصاب به فرماندهی، طی تلگرافی به کرنسکی خواهان حکم اعدام سربازان فراری شد. سه روز بعد، حکومت موقت به پیشنهاد کرنسکی حکم اعدام در

ارتش را به‌طور رسمی، دوباره برقرار کرد. کرنسکی روز ۱۸ ژوئیه کورنیلوف را ارتقاء داد و به مقام فرماندهی کل قوا رساند. ژنرال کورنیلوف این بار خواستار اعاده مجازات اعدام در پشت جبهه‌ها نیز گشت.^(۱)

روزنامه‌های دست راستی و بورژوائی تبلیغات گسترده‌ای را پیرامون شخصیت و فضائل کورنیلوف راه انداختند. نجات روسیه را رسالت و وظیفه او قلمداد کردند. اندک اندک به ژنرال سیمای "ناجی میهن" داده شد. روز ۹ اوت جمعیتی که در میان آن‌ها صاحبان ثروتمند صنایع چون ریابوشینسکی (Ryabushinsky)، ترتیاکوف (Tretyakov)، کونووالوف و ویشنگرادسکی (Vishnegradsky) و هم‌چنین گروه بزرگی از کادتها به رهبری میلیوکوف و جمعی از افسران ارشد ارتش مانند ژنرال آلکسیف (Alexeev)، بروسیلوف (Brusilov)، کالدین (Kaledin) و یودنیچ (Yudenich) حضور داشتند، اعلامیه‌ای در پشتیبانی از کورنیلوف نوشتند. "این اعلامیه که همان روز به کورنیلوف تلگراف و وسعاً پخش شد، تأکید می‌کرد که تمام حملاتی که به مقام کورنیلوف در ارتش و سراسر روسیه می‌شود چیزی جز «خیانت» نیست و تمام «مردم عاقل روس» امید و ایمان خود را به کورنیلوف بسته‌اند. اعلامیه در پایان بیان می‌داشت: «خداوند در راه انجام وظیفه تجدید ساختمان ارتشی قدرتمند و نجات روسیه یار و یاور تو باد!»^(۲)

در این زمان صدای سرمایه‌داران با پشت‌گرمی از قدرت ژنرال‌ها حتی علیه حکومت موقت نیز بلند شده بود. در دومین کنگره صنعت و تجارت که در ۲ اوت برگزار شد، یکی از سرمایه‌داران بزرگ به نام ریابوشینسکی تعارفات را یک سر کنار گذاشت و علناً گفت: "حکومت موقت فقط صاحب سایه قدرت است ... در واقع امر مشتی دغل‌باز سیاسی زمام امور را در دست دارند ... حکومت تمام

۱ - رجوع شود به راسویچ، همانجا، ص ۱۹۵-۱۹۰

۲ - همانجا، ص ۱۹۹

توجه خود را بر مالیات‌ها متمرکز کرده است، و این مالیات‌ها را عمدتاً و سنگ‌دلانه بر طبقه بازرگان و کارخانه‌دار تحمیل می‌کند ... آیا صلاح است که پول خود را به این مسرف‌ها بدهیم؟ آیا بهتر نیست که به نام نجات میهن نگهبانی بر این مسرف‌ها بگماریم؟^(۳)

کورنیلوف در ۳ اوت برنامه‌ای برای اعاده قدرت افسران به کرنسکی ارائه داد. قرار شد این برنامه ۱۰ اوت به کابینه ارائه شود. ام. فیلوننکو (M. Filonenko) [اس-ار دست راستی، کمیسار دولت در ارتش هشتم و دستیار کرنسکی] ضمن بازنویسی برنامه فوق نکات زیر را بدان افزود:

۱- کنترل شدید خطوط راه آهن، به نحوی که کلیه این خطوط زیر فرمان حکومت نظامی قرار گیرد. بدین ترتیب سرپیچی کارگران راه آهن از انجام مقررات همان جرمی را در بر داشت که برای سربازان نافرمان در جبهه داشت، یعنی اعدام بدون چون و چرا!

۲- قرار دادن تمام معادن زغال سنگ و همه کارخانه‌های دست‌اندرکار تولید تجهیزات نظامی زیر کنترل ارتش؛ با توجه به شرایط جنگی این ماده می‌توانست به تمام کارخانه‌ها تعمیم یابد. در این مؤسسات اعتصاب، تعطیلی، جلسات سیاسی و در واقع هر نوع گردهم‌آیی در طول جنگ ممنوع می‌شد. کارگران موظف به کار اجباری می‌شدند و اگر از انجام آن سرپیچی می‌کردند، بلافاصله اخراج و به جبهه فرستاده می‌شدند. فیلوننکو در پایان سند اضافه کرده بود: "این اقدامات باید بلافاصله و با قاطعیت و پی‌گیری آهنین به اجرا درآید."^(۴) کرنسکی گرچه اذعان کرده بود که "دست به اقدامات پیشنهادی فیلوننکو می‌زند"، ولی از عواقب آن بیمناک بود و جرأت نداشت رسماً آن را به عنوان

۳- به نقل از ترونسکی، همانجا، جلد ۲، ص ۱۲۹

۴- راسنیچ، ص ص ۱۹۹-۲۰۰

برنامه دولت اعلام کند.^(۵)

در همین زمان زمینه‌چینی برای تهاجم به کمیته‌های کارگران آغاز شد. در ۳ اوت یکی از معاونین وزیر نیروی دریایی در جلسه شورای اقتصادی^(۶) پیشنهاد کرد که راه‌آهن در شرایط جنگی اعلام شود. وی خواهان انتصاب کمیساریای تام‌الاختیاری در راه‌آهن گردید که از حق انحلال کمیته‌های کارگری برخوردار باشد.^(۷)

در یکی از جلسات بخش خدمات عمومی مسکو که در ۱۰ اوت برگزار شد، سخنرانی به نام رودیونوف (Rodionov) وضعیت حمل و نقل راه‌آهن را فاجعه‌آمیز خواند. وی مسبب اصلی بی‌نظمی در بخش ترانسپورت را کمیته‌های راه‌آهن قلمداد کرد. در همین جلسه گفته شد: "بنا به یک همه‌پرسی که در کنگره رؤسای راه‌آهن صورت گرفته، در ۲۷ خط راه‌آهن، نام ۵۵۳۱ نفر به‌عنوان نماینده کمیته‌ها به ثبت رسیده است. هیچ‌یک از این افراد کار نمی‌کنند. اگر میانگین دستمزد هر کدام از این‌ها حداقل ۲۰۰۰ روبل حساب شود، این امر برای دولت ۱۱ میلیون روبل هزینه در بر دارد. این سنجش تنها در مورد ۲۷ خط راه‌آهن صورت گرفته است. در حالی که تعداد چنین خطوطی بیش از ۶۰ عدد می‌باشد."^(۸)

در "جلسه مشاوره سیاست‌مداران اجتماعی" که ۸ تا ۱۰ اوت در مسکو برگزار شد، استرووه (Struve) - اقتصاددان و کارشناس بورژوازی - جان کلام را به گوش حاضرین خواند. او با ابراز نگرانی از قدرت کارگران در کارخانه‌ها، مقام افسران نسبت به سربازان را با کارفرمایان در برابر کارگران مقایسه کرد و هشدار

۵ - همانجا، ص ۲۰۰

۶ - درباره "شورای اقتصادی" رجوع شود به فصل پنجم همین اثر

۷ - پانکراتوا، همانجا، ص ۱۸۶

۸ - همانجا

داد: "همان طور که در عرصه نظامی خلع افسران توسط سربازان به معنای تأیید حق تمرّد است و به دلیل تناقض آن با ماهیت ارتش بیانگر انحلال ارتش می باشد، در حیطه اقتصادی نیز سلب اعمال قدرت کارفرمایان در کارخانه ها، از طریق مدیریت کارگران، به مفهوم نابودی نظم طبیعی زندگی اقتصادی در هر کارخانه است..."^(۹) آقای اقتصاددان به درستی گوشزد نمود که اگر در فکر ادامه و رشد تولید تحت نظم سرمایه داری هستید، ناچاراً باید اقتدار سرمایه داران را نیز به مثابه پایه ای ترین ملزومات آن احیاء کنید. چرا که دخالت و قدرت کارگران در کارخانه ها اساساً با طبیعت تولید سرمایه داری ناسازگار است.

اتحادیه کارفرمایان پطروگراد در ماه اوت، کنفرانسی با شرکت نمایندگان مهمترین سازمان های صنعتی و تجاری کشور ترتیب داد. کنفرانس به ویژه خواستار "تدوین دستورالعمل هایی برای جلوگیری از دخالت کمیته های کارخانه در حیطه اختیار مدیریت" گردید.

چند هفته بعد در ۲۸ اوت اسکوبلف (وزیر کار منشویک) تعرض سازماندهی شده سرمایه علیه کمیته های کارخانه را مورد حمایت خود قرار داد. وی به موازات تبلیغات شدید مطبوعات بورژوازی علیه "آناشیسیم طبقه کارگر" بخشنامه معروف خود موسوم به بخشنامه ۴۲۱ را صادر نمود. طبق این حکم برگزاری جلسات کمیته ها حین ساعات کار ممنوع اعلام شد. وزیر کار سوسیالیست با این استدلال که "هیچ ثانیه ای از زمان کار نمی بایستی تلف گردد" به مدیر کارخانه اختیار داد تا متناسب با زمان کار از دست رفته، مبالغی از دستمزد فعالین کمیته ها کسر کند.^(۱۰)

گوتنیک یکی از نمایندگان سرمایه داران در کنفرانس صنعت گران جنوب روسیه، اظهار داشت که اختیارات کمیته های کارخانه غیر قابل پذیرش است.

۹ - همانجا، ص ۱۸۷

۱۰ - بانکراتوا، همانجا، ص ص ۱۸۸-۱۸۹ و سز برنتون، همانجا، ص ۳۹

”زیرا با قواعد حکومت موقت در تناقض می‌باشد.“^(۱۱)

در سپتامبر ۱۹۱۷ در جلسه کارفرمایان اُدسا علیه دخالت کارگران در عرصه اختیارات اقتصادی و تکنیکی کارفرمایان قطعنامه‌ای صادر گشت که در آن قید شده بود: ”وضعیت فاجعه‌بار کشور افزایش بارآوری کار را از طریق هر اقدامی ایجاب می‌کند. اقدامات ضروری عبارتند از: ۱- جایگزینی دستمزد روزانه با دستمزد هفتگی، ۲- استخدام و اخراج توسط بخش اداری و بدون دخالت کمیته‌ها باید صورت بگیرد، ۳- محدود نمودن فعالیت کمیته‌های کارخانه در چارچوبی که قانون تعیین کرده است، ۴- اجتماع کارگران و کمیته‌های آنان باید خارج از زمان کار برگزار شود، ۵- بودجه کمیته‌ها باید توسط خود کارگران تأمین گردد.“^(۱۲)

در زمان اعتصاب کارگران معدن نادر دینسکی اورال، کارفرمایان ابلاغیه‌ای صادر کردند که در آن با کارگران چنین اتمام حجت شده بود: ”امور استخدام و اخراج حق غیرقابل تغییر و منحصر به فرد صاحب کارخانه است. قواعد درون [کارخانه] از سوی مدیریت ابلاغ خواهد شد. در صورتی که کارگران این قواعد را رعایت نکنند، مدیریت حق دارد برگ جریمه مالی [علیه آن‌ها] صادر کند و آن را وصول نماید، هم‌چنین کارگران را اخراج نماید. کمیته کارگران به هیچ وجه تولید را کنترل نخواهد نمود و تأمین مالی نیز نخواهد شد. مدیر کارخانه رأساً زمان و چگونگی دیدارش با کمیته‌ها را تعیین می‌کند. در حالتی که چنین «قواعدی» رعایت نشود، کارخانه تعطیل و کارگران اخراج خواهند شد.“^(۱۳)

۱۱- بانکراتوا، همانجا، ص ۱۸۹

۱۲- همانجا، ص ۱۹۰

۱۳- همانجا

کنفرانس مشاوره دولتی

اولین کابینه ائتلافی که در ماه مه تشکیل شده بود، با خروج ۴ وزیر کادت از آن در ماه ژوئیه سقوط کرد. کرنسکی بعد از سقوط کابینه، به مقام نخست‌وزیری رسید و به وی اختیار داده شد تا حکومت را از نو بازسازی کند. کرنسکی پس از معرفی کابینه جدید، در اواخر ماه ژوئیه تصمیم گرفت کنفرانسی مرکب از تشکلات مختلف و شخصیت‌های سیاسی بلندپایه روسیه تشکیل دهد. این کنفرانس از ۱۲ تا ۱۵ اوت در مسکو برگزار شد. هدف از آن جلب پشتیبانی طبقات و گروه‌های مختلف از برنامه کابینه جدید بود و هیچ‌گونه قدرت قانون‌گذاری نداشت.

نمایندگان سازمان‌های سیاسی، تشکلات تجاری، اتحادیه‌های کارفرمایان، نمایندگان عالی‌رتبه ارتش، مؤسسات علمی، روحانیون، اعضای چهار دوماي دولتی، اتحادیه‌های کارگری و شوراها همه به کنفرانس دعوت شده بودند. در جلسه بیش از ۲۰۰۰ (۱۴) نفر شرکت نمودند که در میان آنان نمایندگان طبقات دارا تفوق داشتند.

سیاست سرکوب حکومت موقت و وزنه سنگین طبقات متمکن در این کنفرانس که به "کنفرانس مشاوره دولتی" معروف شد، کارگران را شدیداً نسبت به اهداف آن بدگمان کرده بود. ۵ روز قبل از برپایی کنفرانس، نمایندگان اتحادیه‌ها در مسکو نشستی ترتیب دادند تا موضع خود را در قبال آن روشن سازند. در این اجتماع رهبری ۴۱ اتحادیه در مسکو و دفتر مرکزی اتحادیه‌ها و همچنین نمایندگان احزاب سوسیالیست و شورای نمایندگان کارگران و سربازان حضور داشتند. جلسه دو روز (۷-۸ اوت) به درازا کشید. ابتدا در آن نمایندگان ۴ حزب

۱۴ ای. اچ. کار تعداد شرکت‌کنندگان را به همس میزان (همانجا، جلد اول، ص ۱۲۴) و نوه نسکی بشی از ۲۵۰۰ تن (همانجا، جلد دوم، ص ۱۴۵) ذکر می‌کند. راست‌یج نیز تعداد آن‌ها را نزدیک به ۲۵۰۰ نفر می‌شمارد (همانجا، ص ۲۰۵).

(بلشویک‌ها، منشویک‌ها، متحدکنندگان و سوسیال رولوسیونرها)، هریک موضع جریان خود را در قبال کنفرانس بیان کردند. سپس نمایندگان اتحادیه‌های مختلف صحبت نمودند. از طرف بلشویک‌ها «آی. آی. استپانوف» (I. I. Stepanov)، منشویک‌ها «کیپن» (Kipen)، متحدکنندگان «یاخونتوف» (Yakhontov) و سوسیال رولوسیونرها «گاورونسکی» (Gavronsky) سخنرانی کردند.

بعد از بحث‌های داغی که در جلسه بر له یا علیه شرکت اتحادیه‌ها در کنفرانس صورت گرفت، مجمع با اکثریت آراء قطعنامه بلشویکی را که توسط آندریف (Andreev) ارائه شده بود، به تصویب رساند. در قطعنامه به کنفرانس اعتراض شده و علیه آن فراخوان به اعتصاب داده شده بود. با این موضع قاطع، اجتماع تصمیم گرفت، نمایندگانی را به منظور قرائت بیانیه‌ای به کنفرانس دولتی بفرستد. در آن بیانیه می‌بایستی ماهیت ضدانقلابی کنفرانس و سیاست طبقات حاکم به طور بی‌رحمانه‌ای افشاء می‌شد. نمایندگان اعزامی قرار بود پس از قرائت بیانیه، محل کنفرانس را ترک کنند.

گرچه اتحادیه‌های مسکو کارگران را دعوت به اعتصاب سیاسی یک‌روزه نمودند، ولی برای رسمیت یافتن اعتصاب، شورای نمایندگان کارگران و سربازان مسکو می‌بایستی آن را تأیید می‌کرد.^(۱۵) شورای مسکو با اعتصاب عمومی مخالفت نمود و آن را با ۳۶۴ رأی مخالف در برابر ۳۰۴ رأی موافق، رد کرد.^(۱۶) کارگران به تصمیم شورا اعتنایی نکردند و از فراخوان اتحادیه‌ها قاطعانه حمایت نمودند. بسیاری از آنها نظر شورا را سازشکارانه خوانده، خواهان تجدید انتخابات در شورا شدند. سرانجام در ۱۲ اوت، روز گشایش "کنفرانس مشاوره

۱۵- در مورد نشست هفتم و هشتم اوت و نیز اعتصابات دوازدهم اوت، رجوع شده به له‌ریس.

همانجا، ص ۸۵-۸۴ و پروگمان، همانجا، ص ۹۷

۱۶- در کتاب رابینوویچ (ص ۲۰۷) تعداد آراء مخالفین ۳۱۲ و موافقین ۲۸۴ ذکر شده است.

دولتی"، حدود ۴۰۰۰۰۰ نفر از کارگران و کارکنان مسکو اعتصاب کردند به دلیل اعتصابات ترامواها، کارخانه‌ها، کارگاه‌ها، ایستگاه‌ها و انبارهای راه‌آهن همه تعطیل شدند و برق قطع شد.

اتحادیه‌های مسکو اگرچه پس از مخالفت شوراها با اعتصاب، جلسه جدیدی برگزار نکردند و مشخص نمودند که آیا هم‌چنان به فراخوان خود پای‌بند هستند و یا خیر، ولی دعوت قبلی آن‌ها به اعتصاب نشان می‌دهد که برخلاف اکثریت نمایندگان شورای مسکو، نسبت به کنفرانس دولتی بدبین و خواهان اقدام علیه آن بودند.

علاوه بر مسکو در پتروگراد نیز علیه "کنفرانس دولتی" اعتراضاتی صورت گرفت. در ۱۰ اوت شورای مرکزی اتحادیه‌ها در پتروگراد، شرکت اتحادیه‌ها را در کنفرانس رد نمود و به ۳ نفر از اعضای خود مأموریت داد تا در جلسه یک قطعنامه اعتراضی را قرائت کنند.^(۱۷) کارگران پوتیلوف به نشانه اعتراض به "کنفرانس دولتی" حقوق یک روز خود را برای مطبوعات کارگری کنار گذاشتند. هم‌چنین بخش کارگری شورای پتروگراد، در واکنش به سخنان ژنرال‌ها، با صدور قطعنامه‌ای در ۷ اوت، خواستار لغای مجازات اعدام شد.^(۱۸)

دومین کنفرانس کمیته‌های کارخانه پتروگراد که از ۷ تا ۱۲ اوت جریان داشت، موضع تندتری در مقابل "کنفرانس دولتی" گرفت. کمیته‌ها هدف کنفرانس مذکور را "تلاش در جهت سازماندهی ضدانقلاب، فریب افکار عمومی و به حاشیه راندن مجلس مؤسسان خوانده"، آن را محکوم کردند. آن‌ها از کارگران خواستند تا با تشکیل اجتماعات بزرگ، اعتراض خود را نسبت به "کنفرانس دولتی" بیان کنند. تقریباً کارگران همه کارخانجات بزرگ از فراخوان تشکل خود

۱۷ پروگمان، همانجا، ص ۹۹

۱۸ تروفسکی، همانجا، جلد دوم، ص ۲۵۹، نیز راسنویچ، همانجا، ص ۱۹۸

تبعیت کردند. (۱۹)

واکنش به موقع کارگران در مقابل "کنفرانس دولتی"، به سرعت فضای متأثر از عقب‌گرد ژوئیه را دگرگون کرد. کنفرانس نه تنها دولت را تقویت نکرد^(۲۰)، بلکه تتمه اعتبار آن را نزد طبقات فرودست از بین برد. شایعات و اخباری وجود داشت که زیر پوشش این کنفرانس یک کودتای راست‌گرایانه در حال تدارک است. این اخبار چندان هم بی‌پایه نبود. ژنرال‌ها در کنفرانس برای احیای نظم و انضباط در ارتش و احیای مجدد مجازات اعدام عربده کشیده بودند. محافظان دست راستی کنفرانس، کورنیلوف را به عنوان ناجی روسیه مورد احترام قرار داده بودند. دیوارها از تصاویر و اعلامیه‌هایی که کورنیلوف را "ناجی میهن" می‌خواندند، پر شده بود. و اخباری از توطئه ژنرال‌ها و سران طبقات مرفه به گوش می‌رسید. حتی شواهدی وجود داشت که دست کرنسکی هم در کار است. (۲۱)

مدت زمانی از پایان کنفرانس دولتی نگذشته بود که علائم کودتا واضح‌تر شدند. نیروهای اعزامی کورنیلوف، پیشروی خود را از جبهه به سمت پتروگراد آغاز کردند. "۲۷ اوت ستون‌های لشکر وحشی برای شروع پیشروی خود به سوی پایتخت در «دنو» سوار قطار شدند." (۲۲) زنگ خطر به صدا درآمد.

درست در همان روزهایی که اولین اخبار درباره تلاش سران کودتا به پتروگراد رسید، در ۲۷ اوت، هر دو شورای مرکزی کمیته‌های کارخانه و اتحادیه‌ها به سرعت جلسه مشترکی ترتیب دادند. جلسه درباره روش‌های مقابله

۱۹- پروگمان، همانجا، ص ۹۹

۲۰- "کار" درباره کنفرانس مذکور می‌نویسد که "... به صورت مضحک‌دای از سخنرانی درآمد." (همانجا، جلد ۱، ص ۱۲۴)

۲۱- برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع شود به پروگمان، همانجا، ص ۱۰۰ و نیز کرنسکی، همانجا، جلد ۲.

۲۲- راسنویچ، همانجا، ص ۲۲۶

با نیروهای کورنیلوف وارد شور شد. در آن تصمیم گرفته شد که برای دفاع از پتروگراد میلپس‌های کارگری سازماندهی شود، و "کمیته‌ای برای دفاع از پتروگراد در مقابل ضدانقلاب" ایجاد گردد.

در این جلسه قطعنامه‌ای به تصویب رسید که در آن وظایف "کمیته دفاع از پتروگراد..." مشخص گشته بود. این وظایف عبارت از انتقال اهالی غیرنظامی و تأسیسات صنعتی، کنترل ارگان‌های دولتی و دفاع از پایتخت بودند. این تصمیمات به اطلاع عموم رسانده شد.^(۲۳) هر دو شورای مرکزی آشکارا به حکومت اعتمادی نداشتند، به همین دلیل دفاع از پتروگراد را مستقیماً به عهده کارگران قرار داده بودند. نظر کارگران نیز دقیقاً با موضع هر دو تشکل منطبق بود. در تجمعات بیشمار کارخانه‌ای که در آن هنگام برگزار می‌گشت، خواسته‌های ایجاد "یک قدرت انقلابی" و "تسلیم عمومی کارگران" مطرح می‌شد. تاکتیک اتحادیه‌ها و کمیته‌های کارخانه چنین بود: مبارزه علیه کورنیلوف، بدون آن که از حکومت موقت حمایت شود. بلشویک‌ها نیز همین تاکتیک را اتخاذ کرده بودند.^(۲۴)

یک روز بعد، پس از این که خطری که انقلاب را تهدید می‌کرد به شکل هراس‌انگیزی آشکار شد، کمیته اجرایی شوراها در سالن کاخ اسمولنی تشکیل جلسه داد. کمیته اجرایی برای کمک به سازماندهی و رهبری مبارزه با نیروهای کورنیلوف تصمیم به ایجاد یک سازمان نظامی اضطراری گرفت. بدین ترتیب "کمیته‌ای برای مبارزه مردمی با ضدانقلاب" تشکیل شد. رهبری شورا هم‌چنین ضرورت تسلیم کارگران را مطرح کرد؛ اما با این شرط که کارگران تحت فرماندهی "کمیته" نامبرده قرار گیرند. طبق این طرح میلپس‌های کارگری که

۲۳ - متن کامل قطعنامه مذکور در مدارک جمع‌آوری شده توسط لورنس، همانجا، ص ۸۷-۸۸ به چاپ رسیده است.

۲۴ - بره‌گمان، همانجا، ص ۱۰۱

تعداد آن‌ها به ۸۰۰۰ می‌رسید، نمی‌بایستی به عنوان واحدهای مستقل عمل می‌کردند، بلکه می‌بایست زیر چتر میلیشیای شهری (گروه‌های منظم وفادار به حکومت موقت) قرار می‌گرفتند. بدین ترتیب رهبری مبارزه علیه شورش کورنیلوف به نیروهای مسلح طرفدار دولت سپرده می‌شد. رهبری شورا با این اقدامات و زمینه‌چینی‌ها در نظر داشت، میلیس‌های کارگری به صورت مستقل سازماندهی نشوند و یا تحت رهبری بلشویک‌ها قرار نگیرند. زیرا در چنین حالت‌هایی امکان داشت روزی علیه خود آن عمل کنند.

بدین ترتیب یک بار دیگر کارگران امکان یافتند، به صورت رسمی و علنی مسلح شوند. هرچند میلیشیاهای کارگری‌ای که با شکست ژوئیه، توسط حکومت موقت و تأیید رهبری شوراها منحل شده بودند، به همان صورت بازسازی نشدند؛ اما کارگران تشکیلات مسلح خود را به شکل دیگری احیاء کردند. به شکل گاردهای سرخ!

حزب بلشویک در ۲۸ اوت تلگرافی به سازمان‌های محلی خود زد. در این تلگراف قید شده بود که: "به منظور دفع ضدانقلاب ما هم‌اکنون مشغول تبادل اطلاعات با شورا هستیم و از نظر فنی با آن ((از طریق کمیته مبارزه با ضدانقلاب))^(۲۵) همکاری کرده، در عین حال خط کاملاً مستقل سیاسی خود را نیز حفظ می‌کنیم. رویدادهای اخیر به این معنا است که مشی مسالمت‌آمیز کاملاً شکست خورده است و به منظور نجات انقلاب می‌باید که بر مبنای گسست کامل از بورژوازی قدرت‌مان را متشکل کنیم."^(۲۶)

۲۵ - منظور همان "کمیته مبارزه مردمی با ضدانقلاب" است که روز ۲۸ اوت توسط کمیته اجرایی شوراها ایجاد شده بود.

۲۶ - قطعنامه‌ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه ۱۹۱۷-۱۸۹۸، همانجا، ص

گاردهای سرخ

در نبرد با نیروهای کورنیلوف بار اصلی دفاع از پتروگراد بر دوش گاردهای سرخ قرار داشت. این گاردها، واحدهای مسلح کارگری بودند که از همان اوان انقلاب، تقریباً هم‌زمان با میلیشیا‌های کارگری به وجود آمدند. آن‌ها وظیفه خود را به طور ویژه حفاظت از دستاوردهای انقلاب می‌دانستند. در آغاز تعداد واحدهای آن اندک بود و گروه کوچکی از کارگران مسلح آن‌ها را ایجاد نموده بودند. اما بعداً با کمک میلیشیا‌ی کارگری تقویت شدند. میلیشیا کوشید آن‌ها را به صورت سراسری درآورد. به همین منظور در میتینگی که در ۱۷ آوریل توسط کارگران میلیشیا برگزار شده بود، هیئتی انتخاب شد. این هیئت متشکل از ۲ بلشویک و ۳ منشویک بود و قصد داشت تشکل سراسری شهری گاردهای سرخ را بنا نهد. هیئت اعلام کرد که گارد سرخ "تهدیدی برای همه تلاش‌های ضدانقلابی از هر سو (خواهد بود)، زیرا تنها طبقه کارگر مسلح می‌تواند مدافع واقعی آزادی‌ای باشد که ما به دست آورده‌ایم."

برخی از کمیته‌های کارخانه به سرعت تشکیل گاردهای سرخ کارخانه‌ها را مطالبه کردند. طی ماه آوریل در چندین کارخانه گارد سرخ تشکیل شد.^(۲۷) در ۲۸ آوریل ۱۵۶ نماینده از ۹۰ کارخانه که بیشتر آن‌ها به هیچ حزبی وابسته نبودند، در کنفرانسی شرکت کردند تا پیرامون تأسیس گارد سرخ بیشتر بحث و بررسی نمایند. کمیته اجرایی شوراها علیه این کنفرانس موضع شدیداً لحنی گرفت و آن را به عنوان "تهدیدی مستقیم برای اتحاد نیروهای انقلابی" محکوم کرد. منشویک‌ها آن را تبلیغی از سوی لنینیست‌ها خواندند و گفتند تلاش برای برپایی گاردهای سرخ نمایانگر فقدان تأسف آور اعتماد به ارتش است.

۲۷ اسمیت می‌نویسد که گاردهای سرخ در کارخانه‌های لستر قدیمی و جدید، اریکس، آبراز و باره‌بانس جدید یعنی در کارخانه‌هایی که نیروی بلشویک‌ها در آن‌ها قوی‌تر بود، سازماندهی شدند (همانجا، ص ۱۰۰).

اگرچه احتمال دارد تعداد گاردهای سرخ طی ماه‌های مه و ژوئن اندکی افزایش یافته باشد، اما کمیته اجرایی شوراها در کار جلوگیری از ایجاد شبکه گاردهای سرخ در سراسر شهر موفق بود. به دلیل مشکلات فراروی سازماندهی علنی و گسترده گاردهای سرخ، کارگران پتروگراد انرژی خود را بیشتر در میلیشیای کارگری گذاشتند و آن را تا روزهای ژوئیه به صورت یک سازمان سراسری حفظ کردند. میلیشیای کارگری بسیار بیشتر از گاردهای سرخ در حوادث ژوئیه نقش داشت؛^(۲۸) به همین دلیل دولت روی آن حساسیت بیشتری داشت و به سرعت آنان را منحل نمود. اما گاردهای سرخ، هر چند به صورت پراکنده، باقی ماندند. وقتی خطر کودتا، رهبری شورا را ناچار کرد تسلیح کارگران را بپذیرد، زمینه برای فعالیت و گسترش گاردهای سرخ آماده شد. کارگران به سرعت گاردهای سرخ را تشکیل دادند. چند ساعت پس از اعلام غائله کورنیلوف، زنگ‌های خطر در کارخانه‌های سراسر پتروگراد به صدا درآمد. کارگران به ابتکار خود و بدون دستور مقامات بالا، اقدامات امنیتی اطراف ساختمان‌ها و محوطه کارخانه‌ها را افزایش دادند. در ۲۸ و ۲۹ اوت، صف‌های طولانی کارگران در مناطق صنعتی دیده می‌شدند که منتظر نام‌نویسی در گاردهای سرخ بودند.^(۲۹)

کمیته‌های کارخانه برای مقابله با کودتا، شتابان کارگران را مسلح می‌کردند. "کمیته کارخانه عظیم اسلحه‌سازی سسترورتسک چند هزار تفنگ و مقداری مهمات بدون اطلاع رؤسای کارخانه برای کارگران گارد سرخ روانه کرد."^(۳۰) ۲۹ اوت شورای مرکزی کمیته‌های کارگاه‌ها جلسه مشترکی با نمایندگان کمیته‌ها از سراسر شهر برای ارزیابی تدارک جنگ و کمک به هماهنگی توزیع

۲۸- اطلاعات مربوط به گاردهای سرخ از اسمت، همانجا، ص ص ۱۰۱-۱۰۰ می‌باشد.

۲۹- رجوع شود به راستوبچ، همانجا، ص ۲۴۶.

۳۰- همانجا، ص ۲۴۷.

اسلحه بین کارگران تشکیل دادند. شرکت کنندگان در جلسه، پس از شنیدن گزارش کار « کمیته نبرد » [منظور کمیته مبارزه مردمی با ضدانقلاب است] از زبان واسیلی اشمیت [بلشویک]، پشتیبانی همه‌جانبه خود را از این کمیته اعلام و موافقت کردند که کوشش‌های دفاعی خود را با کمیته هماهنگ سازند. نمایندگان حاضر در جلسه، هم‌چنین تصمیم گرفتند برای آزادی انقلابیون زندانی، کوشش و اقدامات قاطعی در جهت توقیف مطبوعات دست راستی و دستگیری ضدانقلابیون به عمل آورند. علاوه بر آن پس از بررسی مجدد مسئله پخش اسلحه بین کارگران، با شور و شوق فراوان از این عمل پشتیبانی کردند.^(۳۱) تا روز ۲۹ اوت دیگر تقریباً در همه بخش‌ها و محلات، گارد کارگران ایجاد شده بود. گاردهای سرخ مدافع پتروگراد، علاوه بر واحدهای کمیته‌های کارخانه، توسط شوراهای محلی و سلول‌های حزبی بلشویک‌ها نیز تشکیل شده بودند.^(۳۲)

کارخانه پوتیلوف میلیس ویژه خود را ایجاد نموده بود. کشتی سازی و کارخانه پوتیلوف لیستی از کارگرانی که باید مسلح می‌شدند را تهیه نموده بودند. توپ‌های موجود در کارخانه آماده شلیک می‌شدند.^(۳۳) تعداد افراد متشکل در گاردهای سرخ تا اول ماه سپتامبر بالغ بر ۴۰۰۰۰ نفر می‌شد.^(۳۴)

در مجموع فعالیت و تلاش‌های کمیته‌های کارخانه در مقابله با کودتای کورنیلوف بسیار چشمگیر و همه‌جانبه بود. آن‌ها اسلحه تهیه می‌کردند، وسایل حمل و نقل و امکانات تدارکاتی (استقرار واحدها، محل خواب و گردآوری

۳۱ - همانجا، ص ۲۴۵، گروه‌ها از ماست

۳۲ رجوع شود به پروگمان، همانجا، ص ۱۰۱.

۳۳ گزارش نشریه دلو نارودا (Delo naroda) درباره تشکیل گاردهای سرخ در کارخانه پوتیلوف

پتروگراد، ۳۰ اوت ۱۹۱۷، ذکر شده در لورنس، همانجا، ص ۹۱

۳۴ پروگمان، همانجا، ص ۱۰۱

آذوقه) را سازمان می‌دادند و برای حمل مجروحان آمبولانس مهیا می‌کردند؛ هم‌چنین برای دفاع از کارخانه‌ها، دسته‌های مسلح تشکیل داده و پیرامون شهر پتروگراد سنگر می‌کنند.

عملکرد اتحادیه‌ها در این ماجرا به برجستگی کمیته‌های کارخانه نبود. گرچه اتحادیه‌ها در کمیته‌های تشکیل "گاردهای سرخ" درون شوراهای محلی نماینده داشتند، ولی از آن‌جا که کارگران غالباً در سطح کارخانه‌ها مسلح شده بودند، کار چندان از اتحادیه‌ها ساخته نبود. با این حال تلاش‌ها و کمک‌های اتحادیه‌ها در این میان انکارناپذیر است. اتحادیه فلزکاران ۵۰۰۰۰ روبل برای "تجهیزات نظامی" گاردهای سرخ اختصاص داد. مبالغ بیشتری نیز از سوی اتحادیه‌های کارگران چوب و مواد غذایی در خدمت پیشبرد مبارزه گذارده شد.^(۳۵) کمیته اجرایی اتحادیه سراسری کارگران راه‌آهن (ویکژل) نقش پراهمیتی ایفاء نمود. "۲۸ اوت، ویکژل (Vikzhel) تلگرافی به تمام نقاط حساس سراسر شبکه خطوط آهن روسیه فرستاد که مقرر می‌داشت کلیه «تلگراف‌های مشکوک» را متوقف و ویکژل را از میزان و مقصد کلیه نیروهای نظامی مشکوک که در خطوط آهن در حرکتند مطلع کنند. به کارکنان راه‌آهن اختیار داده شد نیروهای ضدانقلابی را با تمام وسایل ممکن، از جمله جلوگیری از حرکت واگن‌ها، غیبت از محل کار و در صورت لزوم با تخریب خطوط آهن و منحرف کردن علامات و سوزن‌های راه‌آهن از حرکت بازدارند. آن‌ها هم‌چنین موظف شدند از حمل هر نوع آذوقه به مناطق تحت تصرف طرفداران کورنیلوف جلوگیری کنند."^(۳۶) مهمتر از این‌ها، اتحادیه‌ها بدون هیچ‌گونه دریغی از تشکیل گاردهای سرخ حمایت کردند. آن‌هم نه به مفهوم تعداد معدودی از واحدهای تحت فرمان میلیشیای شهری، آن‌گونه که

۳۵ - بروگمان، همانجا، ص ۱۰۲

۳۶ - رابینوویچ، همانجا، ص ۲۴۶

مد نظر رهبری شوراهای بود، بلکه به معنای گسترده تسلیح عمومی کارگران.^(۳۷)

عکس العمل سریع و قاطع کارگران و تشکلات آنان در مقابل کودتای کورنیلوف، کوچکترین تردیدی در آمادگی آنها برای تداوم انقلاب باقی نگذاشت. گویی آنها فقط منتظر فرصت یا حادثه‌ای بودند تا نشان دهند برای دفاع از دستاوردهای شان از چه آمادگی و انرژی خارق‌العاده‌ای برخوردارند.

در کتاب "تاریخ حزب کمونیست (بلشویک) اتحاد شوروی - دوره مختصر" نه تنها از اقدامات مؤثر کمیته‌های کارخانه علیه توطئه کورنیلوف ذکری به میان نمی‌آید، بلکه هیچ نامی هم از آنها برده نمی‌شود.^(۳۸) از سوی دیگر، تروتسکی گرچه در کتاب خود ("تاریخ انقلاب روسیه") مطالبی پیرامون کمیته‌ها می‌نویسد، ولی سخن از نقش مهمی که کمیته‌های کارخانه در مقابل کودتا ایفاء کردند و سهم بسزایی که در مسلح کردن کارگران داشتند، نمی‌گوید. گویا اصلاً کمیته‌ها دخالت مستقیمی علیه کودتا نداشتند! این دو نمونه از تاریخ‌نگاری است که توسط رهبران طراز بالای حزب بلشویک صورت گرفته است؛ یکی خط رسمی و دولتی، و دیگری بلشویکی که مغضوب خط رسمی شد و تبعید گردید.

حال که به شباهت این دو اثر اشاره کردیم، باید توجه خواننده را به تفاوت آشکار بین آنها نیز جلب کنیم. خط رسمی حزب، مقابله با کودتا را در فراخوان

۳۷ - پروگومان، همانجا، ص ۱۰۲

۳۸ - در این کتاب نه فقط در مباحثای کورنیلوف بلکه در هیچ‌یک از مقاطع انقلاب اشاره‌ای به فعالیت‌های کمیته‌های کارخانه نمی‌شود. طی سند فوریه تا اکتبر تنها ده بار، آیدمه‌ها به صورت گزرا، ذکری از کمیته‌های کارخانه به میان می‌آید. هر دو مورد نیز برای مطرح نمودن بحث بیان می‌شود. این موارد عبارتند از:

۱- به غیر از فعالیت در شوراهای بلشویک‌ها در سندیکاها، و کمیته‌های فابریک و کارخانه سز کارهای عمده‌ای انجام می‌دادند. ص ۳۱۲

۲- در ۳۰ ماه مه - ۳ ژوئن [۱۱] سال ۱۹۱۷ کنفرانس کمیته‌های فابریک و کارخانه‌ها برگزار شده بود. در این کنفرانس اکنون دیگر سه چهارم نمایندگان از بلشویک‌ها بودند. ص ۳۱۳-۳۱۲، کره‌شه از ماست

حزب بلشویک خلاصه کرده و می‌نویسد: "در پاسخ شورش کورنیلوف کمیته مرکزی حزب بلشویک کارگران و سربازان را در مقابل ضدانقلابیون به مقاومت مسلحانه قطعی دعوت نمود، و کارگران بی‌درنگ دست به اسلحه برده و برای مقاومت حاضر گردیدند."^(۳۹) برعکس تروتسکی جنب و جوش و ابتکارات خود کارگران را علیه کودتا می‌بیند. به آن بهاء می‌دهد و تصویر جالبی از آن ترسیم می‌کند. در کتاب وی می‌خوانیم:

"انقلاب در همه جا حی و حاضر بود. به همه جا رخنه کرده و حلقه خود را دم به دم بر حلق توطئه تنگ‌تر می‌کرد. چشم و گوش و دست انقلاب در همه جا وجود داشت."

"کارخانه عظیم پوتیلوف به کانون مقاومت در بخش پترهوف تبدیل شده بود. در این کارخانه، گروهان‌های رزمی به شتاب تشکیل می‌شدند؛ کار در کارخانه شب و روز ادامه داشت؛ مونتاز توپ‌های جدید برای تشکیل لشکرهای توپخانه کارگری لحظه‌ای قطع نمی‌شد. مینیچف کارگر می‌گوید: «در آن روزها، روزی شانزده ساعت کار می‌کردیم ... در حدود صد توپ جدید سرهم می‌کردیم.»

پالچینسکی (فرماندار کل جدید پتروگراد) ... در بیانیه ویژه‌ای اذعان کرد که به محض ضروری شدن فعالیت حفاران در دفاع از پایتخت، «هزاران تن از کارگران ... با زحمات بی‌ظیر و شخصی خود، ظرف چند ساعت کار عظیمی را به پایان رساندند که بدون کمک آنان یقیناً چندین روز به درازا می‌کشید.»

"کارگران راه آهن خطوط آهن را می‌شکستند و مسدود می‌کردند تا قشون کورنیلوف را از حرکت باز بدارند. تجربیات جنگ در این میان مفید واقع شدند. ضمناً برای منزوی ساختن کانون توطئه، یعنی موگیلف (Mogilev)

[ستاد فرماندهی کورنیلوف]، از هرگونه حرکتی به سو و از سوی ستاد فرماندهی ممانعت شد. کارکنان پست و تلگراف تلگراف‌ها و فرمان‌های ستاد فرماندهی را توقیف می‌کردند و اصل یا رونوشت آن‌ها را به کمیته [دفاع] می‌فرستادند.^{۴۰}

اتحادیه کارگران راه‌آهن اعضای خود را مسلح کرد و آنان را به بررسی خطوط آهن، خراب‌کاری در این خطوط، مراقبت از پل‌ها، و وظایف دیگر، اعزام داشت ... اتحادیه فلزکاران کارکنان کثیرالعدد دفتری خود را در اختیار کمیته دفاع گذاشت، و هم‌چنین مبلغ درشتی پول برای هزینه‌های مختلف به این کمیته داد. اتحادیه رانندگان تسهیلات فنی و وسایل حمل‌ونقل در اختیار کمیته گذاشت. اتحادیه کارگران چاپ‌خانه‌ها ظرف چند ساعت ترتیب انتشار روزنامه‌های دوشنبه را فراهم آورد، تا مردم را از جریان حوادث مطلع نگاه دارد، و در عین حال برای نظارت بر مطبوعات مؤثرترین وسایل ممکن را به کار بست.^{۴۱}

وظیفه کمیته دفاع بیشتر عبارت از ثبت نام و هدایت کارگران بود تا ترغیب آنان به کار و نظارت بر این کار. عمل کارگران از نقشه‌های این کمیته همیشه جلوتر بود.^{۴۲}



با آمادگی همه‌جانبه کارگران و اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب، کودتای کورنیلوف حتی به مرحله درگیری مسلحانه هم نرسید و با شکست کامل روبه‌رو شد. انقلاب با این پیروزی، به قدرت خویش کاملاً مطمئن می‌شد. منادیان بازگشت شرایط سابق سردرگم‌تر از همیشه، از حرکت باز می‌ماندند. در احزاب سوسیالیستی طرفدار حکومت موقت، انشعاب صورت می‌گرفت. برعکس ستاره

۴۰. تروفسکی، همانجا، جلد ۲، ص ص ۲۳۰-۲۲۶، گروه‌ها از ماست.